

کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات

غلام حیدر کوشا*

چکیده

این تحقیق درصدد بررسی کنترل اجتماعی غیررسمی در متون دینی است. بر اساس این تحقیق، دین مبین اسلام کنترل غیررسمی را به عنوان یک اهرم کنترلی کارآمد مورد توجه قرار داده است. از منظر دین، آمال و آرزوها در نحوه رفتار تأثیر می‌گذارد و باورهای دینی نظیر ثواب و عقاب اخروی زمینه‌همنوایی افراد جامعه را فراهم می‌نماید. نیز اهرم‌های کنترلی نظیر حیاء، ترس، تمجید و مذمت، مراقبت و امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش کجروی و هدایت شدن افراد می‌گردد. کلید واژه‌ها: کنترل اجتماعی، کنترل غیررسمی، مراقبت، امر به معروف، نهی از منکر، همنوایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله‌های علمی و پژوهشی

درآمد

انسان‌ها به لحاظ روانی مطابق انگیزش‌ها، کشش‌ها، خواسته‌ها و گرایش‌های درونی رفتار می‌کنند. عوامل درونی و بیرونی سبب می‌شود که در برخی موارد رفتار نادرست، قبیح و برخلاف آداب، سنت و هنجارهای متعارف و متداول جامعه از انسان سر بزند. به همین دلیل، در قرآن به انسان «طغیانگر» و «زیانکار» خطاب شده^۱ و یادآوری گردیده که تمایلات نفسانی، انسان‌ها را به رفتار کجروانه و نادرست وا می‌دارد.^۲

ویژگی پیش‌گفته انسان می‌طلبد که خواسته‌ها، تمایلات و گرایش‌های گوناگون او، تحت کنترل قرار گرفته و از این طریق زمینه هدایت، تکامل و انجام رفتار درست او فراهم شود. در دین اسلام، کنترل و نظارت انسان‌ها مورد توجه ویژه بوده است، به گونه‌ای که نظارت کامل، دقیق و مداوم بر رفتار، کردار و نیت انسان‌ها از سنت‌های ثابت الهی و معیاری برای سنجش، ارزیابی رفتار و اعطای ثواب و عقاب در نظر گرفته شده است.^۳

در این تحقیق تلاش شده است یکی از سازوکارهای کنترلی تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفته و نظر دین در مورد آن جست‌وجو شود. «کنترل غیررسمی از منظر آیات و روایات» عنوانی است بیانگر کاوش در نظریه کنترلی دین از خلال آیات و روایات به عنوان یکی از متون معتبر دینی؛ هرچند قرآن کریم کتابی نیست که در حوزه‌های علوم متداول امروزی نظریه‌پردازی کرده باشد. دلیل آن نیز روشن است؛ چراکه در متون دینی هرآنچه برای هدایت انسان لازم است ذکر شده است. با این حال، می‌توان با مطالعه آیات و روایات و کنار هم چیدن آنها، پاسخی برای سؤالات خود به دست آورد. و در مواردی نظریه‌ای را بر اساس آنها سامان داد.

تبیین موضوع

کنترل اجتماعی از مباحث محوری در حوزه جامعه‌شناسی کجروی است. در مباحث کنترل اجتماعی، کنترل غیررسمی از اهمیتی بیشتری برخوردار است. بیشتر بودن اهمیتش بدین دلیل است که کنترل غیررسمی نوعاً هنجارشکنی‌هایی را تحت پوشش قرار می‌دهد که از قلمرو تسلط نظارت‌های رسمی خارج است. بررسی کنترل غیررسمی در جوامع دینی که فرهنگ آنها خاستگاه دینی دارد این بحث را ضرورت می‌بخشد که دین به عنوان بنیاد فرهنگی جوامع دینی چه تدبیری برای جلوگیری از شکستن هنجارهای دینی در نظر گرفته

است. هم کنترل‌های رسمی و هم کنترل‌های غیررسمی را می‌توان از منظر دین بحث کرد؛ اما به تناسب موضوع تحقیق، مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو این خواهد بود که نظر دین راجع به کنترل‌های غیررسمی چیست؟ این پرسش به نوبه خود دو سؤال فرعی دیگری به دنبال خواهد داشت که در طول تحقیق سعی می‌گردد پاسخی برای آنها به دست آید: یکی اینکه کنترل غیررسمی به عنوان یک اهرم کنترلی، اصلاً مورد تأکید دین بوده است یا خیر؟ و دیگر اینکه در صورت مثبت بودن جواب پیشین سازوکاری که دین در قالب کنترل غیررسمی پیشنهاد می‌کند کدام است؟

مفهوم شناسی

«کنترل غیررسمی» در مقابل «کنترل رسمی» مطرح می‌گردد. کنترل رسمی مجموعه اقداماتی است که منابع اقتدار از آنها در مسیر مقابله با وقوع جرم و کجروی در جامعه استفاده نموده و نوعاً با اجبار و الزام‌های برخاسته از ضمانت‌های اجرایی دولتی همراه است.^۴ کنترل‌های رسمی بر عنصر حقوقی و قانونی مبتنی است^۵ و صرفاً هنجارهای رسمی را تحت پوشش قرار می‌دهد. از این‌رو، کنترل غیررسمی سازوکارهایی را تحت پوشش قرار خواهد داد که کنترل اجتماعی را نه از خلال قوانین کیفری و سازمان‌های رسمی، بلکه از طریق تکیه‌کردن بر اصول اخلاقی و ارزش‌ها و هنجارهای متعارف ممکن ساخته و متغیرهایی نظیر: «ترس از پذیرفته‌نشدن رفتار در جامعه»، «نگرانی از طردشدن توسط نزدیکان» و «طرد و تمسخر و سرزنش دیگران» را مورد توجه قرار دهد.^۶

پیشینه تحقیق

بررسی مسئله کنترل اجتماعی از منظر دین و یا نقش کنترلی دین از انحرافات اجتماعی سابقه دیرینه دارد. اولین تحقیق در این زمینه به نام دورکیم به ثبت رسیده است. او بی‌هنجاری را معلول ضعف کنترل دانسته و جوامع سنتی را سرشار از همبستگی مکانیکی و برخوردار از قواعد اخلاقی قدرتمند می‌داند که یکپارچگی را تقویت نموده و در نهایت زمینه‌های بی‌هنجاری را نابود می‌کند.^۷ تحقیقات دیگری که نقش کنترلی دین را برجسته نموده و دین را به عنوان یک نیروی بازدارنده از انواع کجروی‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند، تحقیق ایوانز-تی. دیوید با عنوان «بررسی مجدد رابطه دین و جرم»^۸ و تحقیق استارک و سیمز بن بریج تحت عنوان «دین، کجروی و کنترل اجتماعی» است.^۹ در هر دو

تحقیق، اهرم‌های کنترلی غیررسمی دین نظیر باورهای دینی و مناسک مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است.

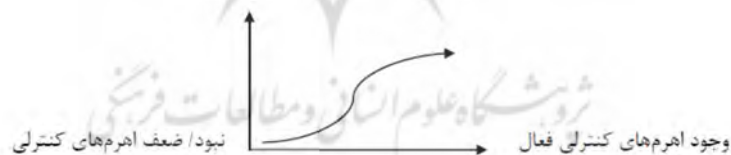
در زمینه کنترل دینی با تمرکز بر آموزه‌های اسلامی و با استفاده از منابع معتبر دینی در اسلام، می‌توان به کتاب‌های هم‌نشینی و کجروی^{۱۱} و کتاب پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام^{۱۱} اشاره کرد که مولفان در ذیل بحث‌های کنترل اجتماعی، به کاویدن این مهم از منظر آیات و روایات همت گمارده و نگاه دینی را در این موضوع به بحث گرفته‌اند.

نظریه کنترل غیررسمی در جامعه‌شناسی

نظریات مطرح در حوزه کنترل اجتماعی، نظریه «بی‌هنجاری» دورکیم و نظریه «خودکنترلی» هیرشی است. دورکیم نابهنجاری اجتماعی را معلول گسست نظم و ضعف کنترل در جامعه می‌داند و نظریه بی‌هنجاری خود را بر این مبنای انسان‌شناختی که انسان‌ها موجودی آمیخته با تمایلات است، استوار ساخته بود. همین مبنای بود که از نظر دورکیم نظارت اخلاقی و اجتماعی و همچنین ضرورت انضباط در جامعه را توجیه می‌کرد.^{۱۲} او معتقد بود: «هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته گردند، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فرد دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد.»^{۱۳} در نهایت، با ضعف نظارت و یا نفوذ بازدارنده جامعه، بی‌هنجاری در جامعه شکل خواهد گرفت.

هیرشی نیز در نگاه اول بر این باور بود که دل‌بستگی فرد به دیگران، پذیرش نقش یا درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی و همچنین اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی می‌تواند فرد را از کجروی باز داشته و به سمت رفتار بهنجار هدایت کند.^{۱۴} اما در نظریه خودکنترلی تأکید داشت که افراد برخوردار از خودکنترلی قوی بیشتر در معرض جرم و کجروی قرار دارند و خودکنترلی قوی احتمال درگیر شدن در جرم را به حداقل می‌رساند.^{۱۵}

همنوایی



کجروی (بی‌هنجاری)

نمودار شماره ۱: رابطه کنترل و همنوایی

همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ اشاره شده است. هر دو نظریه رابطه وجود اهرم‌های کنترلی و بازدارندگی را مثبت قلمداد نموده و بر این ایده تأکید می‌کنند که هرگاه اهرم‌های کنترلی در جامعه فعال و نیرومند باشد هم‌نواپی با هنجارها بیشتر میسر است. وانگهی، اگر نظام کنترلی در جامعه رو به ضعف گراید، هم‌نواپی به حداقل رسیده و زمینه‌های ارتکاب جرم و کجروی فعال و تحقق جرم در جامعه بیشتر خواهد شد.

چارچوب نظری دینی

بررسی رابطه کنترل و هم‌نواپی از منظر دین، وابسته به این است که ابتدا به عناصر اساسی دین توجه نموده و سپس رویکرد دین را نسبت به کنترل با تفکیک قلمرو کنترل‌های دینی از غیر دینی مشخص کرد؛ یعنی برای رسیدن به یک چارچوب نظری دینی در باب کنترل، سه گونه مواجهه با دین ضروری است: اول اینکه مشخص گردد آن دسته از عناصر اساسی دین که هم هنجارهای اجتماعی را دسترس‌پذیر می‌سازد و هم بازخورد نظارت‌گرانه به همراه دارد چیست؟ ثانیاً با بررسی محتوای دین، نقش‌های کنترلی عناصر دینی را جست‌وجو کرد و در گام سوم عناصر کنترلی غیردینی را از چشم‌انداز دین پویید.

دین در نگرش اسلامی به «مجموعه عقاید، احکام و اخلاق داری خاستگاه قدسی و وحیانی» تعریف می‌شود.^{۱۶} بر اساس این تعریف، دین بر سه عنصر کلیدی استوار است. هر سه عنصر به صورت مرکب حیات دینی انسان‌ها را شکل می‌بخشند. حیات دینی انسان که تأمین‌کننده اهداف دینی و انسانی اوست، در بستر قلمروهای دینی سامان می‌یابد. قلمروهای دینی، سازگار با عناصر دینی طراحی و تسهیل‌کننده تحقق نقش‌های محوری عناصر دینی به شمار می‌روند. قلمرو ایمان و باور (حوزه عقاید دینی)، قلمرو رفتار (حوزه اخلاق) و قلمرو تشریح (حوزه احکام و فقه) قلمروهای سه‌گانه نظام معیشتی دینی است که هرکدام از آنها ظرفیت‌هایی را در اختیار انسان می‌گذارد تا انسان‌ها در زندگی اجتماعی و فردی به کمال مطلوب برسند.

متناسب با بحث کنترل غیررسمی، لازم است اهرم‌های کنترلی غیررسمی در سه حوزه دینی مورد بررسی قرار گیرد. بازخورد دین نسبت به هنجارشکنی از هنجارهای حاکم در جامعه در هر سه قلمرو ذکر شده و در دو سطح هنجارسازی و نظارت‌گری قابل مطالعه و بررسی است. همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ نیز بیان گردیده است، می‌توان قلمرو

شریعت (احکام فقه) را به عنوان سطح هنجارساز و قلمرو اعتقاد و ایمان را به عنوان سطح نظارتی دین مطرح نمود. فقه و شریعت، هم هنجارهای دینی را در جامعه معرفی می‌کند و هم سازوکارهای رسمی همچون «حدود»، «دیات»، «قصاص» و «تعزیرات شرعی» و غیررسمی نظیر امر به معروف و نهی از منکر را برای تثبیت و تحکیم هنجارها به خدمت می‌گیرد.^{۱۷} ایمان و باروهای دینی نظیر ایمان به علم خداوند، ایمان به روز حساب و کتاب و ایمان به آثار و پیامدهای رفتار باعث به وجود آمدن سازوکار کنترلی غیررسمی می‌گردد و از این طریق افراد را با هنجارهای مطرح شده از سوی دین هم‌نوا می‌سازد.

در میان دو قلمرو ذکر شده، قلمرو رفتار قرار دارد. قلمرو رفتار نقطه تلاقی دو سطح هنجارساز و نظارت‌گری است. در قلمرو رفتار، عنصر اخلاقی دین نقش ایفا نموده و با فراهم‌سازی انگیزه‌های لازم برای رفتار و دسترس‌پذیر ساختن ضمانت‌های اجرایی برای رفتارهای بهنجار دینی، نظام پاداش و تنبیه کارآمد شکل گرفته و در نتیجه هم‌نواپی صورت می‌گیرد.



نمودار شماره ۲: الگوی نظارت‌گری غیر رسمی از نظر دین

طرح این چارچوب به ما کمک خواهد کرد که اهرم‌های کنترلی دینی را بررسی نموده و بر همین اساس، دسته‌بندی کنیم. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

کنترل غیررسمی از منظر دین

برای بررسی کنترل غیررسمی از منظر آیات و روایات، باید به دو پرسش اساسی پاسخ گفته شود. اول اینکه آیا کنترل غیررسمی به عنوان یک اهرم کنترلی کارآمد مورد توجه دین بوده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، نوبت به دومین پرسش می‌رسد و آن اینکه سازوکار کنترلی که دین به عنوان کنترل غیررسمی پیشنهاد می‌نماید کدام است؟ چه خصوصیتی دارد؟ و آیا سازوکار مطرح شده در آیات و روایات ظرفیت فراهم‌سازی یک سیاست کنترلی در کنار سیاست‌های مرسوم در جهان را دارد؟

کنترل غیررسمی و سیاست کنترلی دین

دین در سیاست کنترلی خود، هم به کنترل‌های رسمی توجه داشته است و هم به کنترل‌های غیررسمی. و از سویی سازوکارهای کنترلی دین بگونه‌ای طراحی شده است که سازوکارهای رسمی و غیررسمی به صورت همسو عمل می‌نمایند و این مسئله یکی از نقاط قوت سیاست کنترلی دین به شمار می‌رود؛ زیرا کنترل‌های غیررسمی اهرم‌ها و سازوکارهای درونی را در خود جای داده و کنترل‌های رسمی و بیرونی هنگامی کارآمد خواهد بود که با اهرم‌های درونی همساز باشد.^{۱۸}

از متون دینی شواهد مختلفی مبنی بر توجه دین به کنترل‌های غیررسمی به دست می‌آید. دین هم به واکنش‌های روانی افراد نسبت به بازدارنده‌های غیررسمی توجه داده است و هم میزان بازدارندگی بازدارنده‌های غیررسمی را به نمایش گذاشته و هم روحیه «پاداش خواهی» و «تنبیه‌گریزی» انسان را مورد تأکید قرار داده است.

انسان و تأثیر پذیری از کنترل‌های غیر رسمی

از بسیاری آیات و روایات چنین بر می‌آید که رفتار انسان‌ها به طرز قابل توجهی متأثر از کنترل‌های غیررسمی است. به عبارت دیگر، انسان‌ها به اهرم‌های کنترلی غیررسمی سریعتر واکنش نشان می‌دهند. در احادیث، نحوه تأثیر دیگران بر رفتار در ذیل عنوان «حیاء» مطرح گردیده است. حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی انجام بسیاری از امور واجب دینی را متأثر از حیاء برشمرد و می‌فرماید: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمُورِ الْمُفْتَرَضَةِ أَيْضًا إِذَا فَعَلَ لِلْحَيَاءِ فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْ لَا الْحَيَاءُ لَمْ يَرَعْ حَقَّ وَالِدَيْهِ ... وَ لَمْ يَعْفَ عَنْ فَاحِشَةٍ؛ همچنین بسیاری از امور

واجب بخاطر حیاء انجام می‌پذیرند. به درستی اگر مردم حیاء نداشته باشند حق والدین خود را مراعات نکرده ... و از رفتار زشت خودداری نخواهند کرد».^{۱۹}

در قرآن کریم میزان تأثیر کنترل غیر رسمی بر رفتار افراد را می‌توان از آیه ۶۳ «مائده» استنباط کرد. در این آیه شریفه، خداوند خطاب به علمای یهود و نصارا می‌فرماید: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ چرا علمای نصارا و یهود ملت خود را از گفتارهای گناه‌آلود و رشوه‌خواری باز نمی‌دارند؟!»

لحن آیه گویای این امر است که اگر علمای نصارا و یهود نهی می‌کردند، آنان از گفتن حرف‌های آلوده و رشوه‌خواری خودداری ورزیدند. از این رو، از لحن عتاب‌گونه قرآن کریم می‌فهمیم که افراد از نهی کردن اطرافیان به خصوص افراد ذی‌نفوذ، تأثیر می‌پذیرند.

روحیه پاداش‌خواهی و تنبیه‌گریزی انسان

انسان‌ها طبعاً پاداش‌ها، تشویق‌ها و به دست آوردن منفعت‌های مادی و معنوی را خوشایند می‌دانند و در مقابل، از تنبیه‌ها، مجازات‌ها و مذمت‌ها گریزانند و بر همین اساس، رفتارهای عادی و حتی رفتارهای دینی خود را سامان می‌بخشند.^{۲۰} در دین، به خصوصیت روحی انسان توجه شده و سازوکار کنترلی اسلام بر نظام پاداش و تنبیه استوار گردیده است. پاداش و تنبیه‌هایی که دین در نظر گرفته است، از سنخ پاداش‌های فوری و زود گذر دنیوی نیست، بلکه آمیزه‌ای از پاداش‌های دنیوی و پاداش‌ها و تنبیه‌های جاویدان اخروی است.

شواهد قرآنی و روایی زیادی بر ادعای مذکور وجود دارد که از باب اختصار به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

تأثیر بیم و امید بر رفتار انسان

در احادیث این مسئله مورد توجه قرار گرفته است که آرزوها و ترس در نحوه رفتار انسان نقش دارد و انسان‌ها می‌کوشند رفتار خود را به گونه‌ای انجام دهند که آرزوهایشان برآورده شده و از پیامدهای خوفناک رفتار برحذر باشند. حضرت امام صادق علیه السلام به این خصوصیت عمومی انسان اشاره داشته و می‌فرماید: «مَنْ رَجَا شَيْئًا عَمِلَ لَهُ وَمَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ؛ کسی که امید چیزی را داشته باشد برای رسیدن به آن عمل می‌کند و کسی که از چیزی می‌ترسد از آن گریزان است».^{۲۱}

امام سجاده علیه السلام در ذیل تذکر به خوف از خداوند و توجه نمودن به عقاب‌هایی که خداوند وعده داده است، فرموده‌اند: «فَإِنَّهُ مَنْ خَافَ شَيْئاً حَذَرَهُ وَ مَنْ حَذَرَ شَيْئاً نَكَلَهُ؛ به درستی کسی که از چیزی خوف داشته باشد از آن دوری می‌کند و کسی که از چیزی دوری کند دیگر سراغش نمی‌گیرد».^{۲۲}

تأثیر ثواب و عقاب بر رفتار

برخی از دلایل قرآنی و روایی حاکی از این است که ثواب و عقاب و بهشت و جهنم بر رفتار انسان تأثیر گذاشته و انسان‌ها سعی می‌کنند آن‌گونه عمل کنند که به ثواب‌های اخروی دست یافته و از عقوبت‌های اخروی در امان بمانند. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله مشتاقان بهشت را پیشی‌گیرنده به کارهای خیر و خائفان از جهنم را تارک شهوات می‌دانند: «مَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ مَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ؛ کسانی که بهشت علاقه‌مندند به کارهای نیک می‌شتابند و کسانی که از آتش جهنم می‌ترسند از رفتار شهوانی دوری می‌گزینند».^{۲۳}

احادیثی دیگری قریب به مضمون فوق از معصومان علیهم السلام نقل شده است؛ نظیر «مَنْ أَحَبَّ الدَّارَ الْبَاقِيَةَ لَهِيَ عَنِ اللَّذَاتِ؛ یعنی کسی که سرای جاوید را دوست دارد از لذت‌ها دوری می‌کند».^{۲۴} و یا «مَنْ خَافَ الْعِقَابَ انْصَرَفَ عَنِ السَّيِّئَاتِ؛ کسی که از عقاب می‌ترسد از گناهان رویگردان است».^{۲۵}

از شواهد ذکر شده چنین استفاده می‌شود که از نظر دین، رفتار افراد تحت تأثیر پاداش و تنبیه ماورایی به عنوان کنترل غیررسمی است. توجه اکید به ثواب و عقاب به عنوان نتایج افعال و تأکید بر اینکه خداوند در قیامت برای درستکاران پاداش و برای بدکاران عذاب در نظر گرفته است، گویای اهمیت نقش کنترلی ثواب و عقاب به عنوان کنترل غیررسمی و کارآمد بودن آن در هدایت افراد است. البته ذکر کارآمد بودن کنترل غیررسمی به معنای عدم توجه دین به کنترل رسمی نیست. چنانچه مرحوم مجلسی هم اشاره نموده‌اند، کتاب و سنت بازدارنده‌هایی از جمله حدود، تعزیرات، مذمت و وعده عقاب، و همچنین تشویق‌هایی از جمله مدح و ثنا در دنیا و بهشت و نعمت‌های بهشتی در قیامت را در خود جای داده است.^{۲۶}

عناصر تشکیل‌دهنده سازوکار کنترلی غیررسمی

در تعریف کنترل غیررسمی به صورت کلی پذیرفتیم که کنترل غیررسمی در برابر کنترل رسمی، و فاقد ضمانت اجرای دولتی است و به برخی عناصری که جامعه‌شناسان برای کنترل غیررسمی در نظر گرفته بودند نیز اشاره گردید؛ اما متناسب با عنوان بحث لازم است که عناصر موثر در کنترل غیررسمی از منظر دین بررسی شده و نظام کنترلی دین طرح و بیان شود. در آیات و روایات، برخی عناصر کنترلی به صراحت ذکر شده‌اند و برخی دیگر تلویحاً یادآوری گردیده‌اند. عناصری که در منابع دینی به آنها اشاره شده است، دارای این ویژگی مشترک هستند که در هدایت افراد به سمت رفتار شایسته و درست و همچنین در باز داشتن آنها از رفتار ناهمسو با هنجارهای اجتماعی جامعه دینی کمک می‌کنند.

مدح و ذم

یکی از اهرم‌های کنترلی غیررسمی، تعریف و تمجید درستکاران و ملامت و مذمت و دوری از گنهکاران در جامعه است. اگر در جامعه درستکاری تمجید شود و بی‌بندباری و گنهکاری مورد ملامت همگان قرار بگیرد، افراد از ترس ملامت اطرافیان از کارهای زشت خودداری خواهند کرد. یکی از شیوه‌های انبیاء علیهم‌السلام برای هدایت افراد، استفاده از همین اهرم بوده است. پیامبران به نحوه رفتار درستکاران و بدکاران واکنش تمجیدگونه و یا ملامت‌گونه نشان می‌دادند. از این رو، اگر این سنت حسنه پیامبران در جوامع نهادینه شود قطعاً به هدایت افراد به کارهای درست کمک خواهد کرد. حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام در مورد شیوه هدایت پیامبران چنین می‌فرماید: «[هم] بِمَنْزِلَةِ الْإِدْلَةِ فِي الْفَلَكِ مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ حَمَلُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ وَ بَشَرُوهُ بِالنَّجَاةِ وَ مَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَ شِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ وَ حَذَرُوهُ مِنْ الْهَلَاكَةِ وَ كَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تَلْكَ الظُّلُمَاتِ وَ أَدْلَةَ تَلْكَ الشُّبُهَاتِ؛ پیامبران به منزله راهنمایان در بیابان‌ها هستند که هر کس راه درست و صحیح می‌پیمود راه او را می‌ستوند و او را به نجات بشارت می‌دادند؛ چون پایان راه راست نجات است. و هر کس که طریق اعوجاج پیش می‌گرفت و به چپ یا راست منحرف می‌شد راه او را مذمت می‌کردند و او را از هلاکت بر حذر می‌داشتند. و آنها با این اوصاف، چراغ‌های این تاریکی‌ها و راهنمای این شبهه‌ها بودند.»^{۲۷}

در دین اسلام واکنش‌های تأییدی و یا احترازی صرفاً به واکنش‌های کلامی ختم نمی‌شود، بلکه واکنش‌های عملی و برخوردهای رفتاری را نیز شامل می‌گردد. یکی از

شیوه‌های درست واکنش رفتاری که بازدارنده نیز هست، انس نگرفتن و ترش‌رویی با بدکاران است. حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌های ۷۸ و ۷۹ سوره مبارکه «مائده» که در آن خداوند بنی اسرائیل را لعن کرده و دلیلش را نهی از منکر نکردن از یکدیگر می‌خواند، چنین می‌فرماید: «أَمَّا إِنَّهُمْ لَمَّ يَكُونُوا يَدْخُلُونَ مَدَاجِلَهُمْ وَلَا يَجْلِسُونَ مَجَالِسَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا إِذَا لَقَوْهُمْ ضَحِكُوا فِي وُجُوهِهِمْ وَأَسْوَأَ بِهِمْ؛ آنها چنین نبودند که با گنهکاران معاشرت و مجالست نکنند، بلکه رفتار آنها بگونه‌ای بود که هرگاه فرد منحرف را می‌دیدند با آنها می‌خندیدند و انس می‌گرفتند»^{۲۸}

این حدیث نشان می‌دهد که انس نگرفتن و ترش‌رویی و نخندیدن با افراد منحرف و کجرو سبب می‌شود که آنان از معصیت و منهیات دوری گزینند.

مراقبت

دومین عنصر از عناصر مورد نظر دین در حوزه کنترل غیررسمی عنصر مراقبت است. دین، هم خود سازوکارهای مراقبتی و نظارتی برای انسان‌ها در نظر گرفته و هم توصیه‌هایی در باب لزوم مراقبت انسان مطرح نموده است. عمده تأثیر مراقبت‌های دینی راجع به همنوایی افراد با هنجارهای متداول این است که افراد را به نیروی خودکنترلی مجهز می‌سازد و از سوی دیگر دستورات دینی در مورد کنترل افراد جنبه‌های بیرونی کنترل غیررسمی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در دین اسلام، یکی از کارکردهای باورهای دینی نظیر باور به خداوند روز قیامت و حسابرسی بازدارندگی آن ذکر شده است. حضرت امام رضا علیه السلام در مورد کارکرد اقرار به خداوند می‌فرماید: «فَلَوْ لَأَلِإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَ خَشْيَتُهُ بِالْغَيْبِ لَمَّ يَكُنْ أَحَدٌ إِذَا خَلَا بِشَهْوَتِهِ وَ إِرَادَتِهِ يُرَاقِبُ أَحَدًا فِي تَرْكِ مَعْصِيَةٍ وَ انْتِهَآكِ حُرْمَةٍ وَ ارْتِكَابِ كَبِيرَةٍ؛ اگر اقرار به خداوند و ترس از عالم غیب نباشد، کسی نخواهد بود که افراد را هنگام خلوت‌های شهوانی و نفسانی از ترک معصیت، هتک حرمت و انجام گناه کبیره بازدارد»^{۲۹}

در حدیث مذکور حضرت امام رضا علیه السلام تصریح می‌نمایند که اقرار به خداوند و ترس از روز قیامت به عنوان یک عنصر مراقبتی فعال نقش بازدارنده ایفا می‌کند.

دستورات دینی نیز بر این مهم اهتمام ویژه مبذول داشته و به افراد توصیه نموده‌اند که از دیگران مراقبت کنند و یا حتی المقدور سعی کنند از منظر عموم مردم دور نباشند تا از

این طریق به دام گناهان و انحرافات نیفتند. از توصیه‌های اکید اسلام این است که رئیس خانواده مراقب باقی اعضای خانواده باشد و نگذارد که آنها به گناهی که سزاوار آتش جهنم است آلوده شوند. در آیه ۶ سوره مبارکه «تحریم» خداوند می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ خود و خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنید».

حفظ خانواده از آتش اشاره به این است که فرد نگذارد اعضای خانواده اش گناه کنند و به تعبیر دیگر، مراقب آنها باشد. علاوه بر مورد ذکر شده، در روایات ذکر شده است که مرد و زن بیگانه دور از چشمان دیگران خلوت نکنند. دستورات پیامبر ﷺ که گاهی می‌فرمودند: بیعت من با زنان این است که از خلوت با مرد نامحرم به گونه‌ای که دیگران نمی‌بینند پرهیز کنند، و یا اینکه کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در جایی که صدای نامحرم را می‌شنود نخوابد،^{۳۰} بیانگر این حقیقت است که حضور دیگران و همچنین نظارت و مراقبت دیگران در دوری از آلودگی و گناه تأثیر دارد.

حیاء

«حیاء» واکنش درونی فرد به حضور و توجه دیگران و یا به تعبیر مرحوم مجلسی، «ملکه نفسانی است که باعث خودداری از امور قبیح، تنفر از رفتار خلاف آداب و ترس از ملامت دیگران می‌گردد».^{۳۱} از این رو، همان‌گونه که در روایات ذکر شده است، حیاء یکی از عناصر مهمی است که اغلب رفتارهای شخصی و اجتماعی متأثر از آن است.

«حیاء» به معنای دور نگه‌داشته شدن نفس از بدی‌ها^{۳۲} و وادار شدن به ترس از انجام کارهای زشت و دوری از مذمت و ملامت،^{۳۳} سومین عنصر مؤثر در کنترل غیررسمی افراد به شمار می‌رود. حیاء از طریق سامان‌دهی نیروی مراقبتی زمینه‌همنوایی را فراهم می‌کند؛ بدین صورت که سبب ایجاد مراقبت می‌گردد و وجود آن در میان دو فرد یا افراد متعدد سبب می‌شود که هرکدام از آنها دیگری را مراقب و مترصد رفتاری خود دانسته؛ بگونه‌ای که گویا از جمیع حالات همدیگر باخبرند.^{۳۴} از این رو، حیاء به دلیل آنکه توقع مراقبت و نظارت را به همراه دارد کنترل‌کننده خواهد بود.

در احادیث معصومان علیهم‌السلام تعبیرات گوناگونی راجع به حیاء به کار برده شده است که جمعاً بعد بازدارندگی آن را به عنوان یک سازوکار کنترلی اجتماعی تقویت و تأیید می‌کند. مجموع احادیث ذکر شده درباره حیاء را در سه دسته می‌توان قرار داد:

الف. احادیث بیان‌کننده تأثیر حیاء بر رفتار: از برخی احادیث چنین به دست می‌آید که حیاء، چه از هم‌نوعان و معاشران و چه از موجود فرانسانی بر رفتار تأثیر می‌گذارد؛ مثل حدیثی که قبلاً نیز یادآوری گردید و در آن تأکید شده بود که افراد نه تنها رفتار عادی، بلکه رفتار دینی خود را نیز از روی حیاء انجام می‌دهند و اگر حیاء نبود مردم از گناه دوری نمی‌کردند.^{۳۵}

ب) احادیث تأکیدکننده بر نقش کنترلی حیاء: دسته دیگر از احادیث ذکر شده پیرامون حیاء، به کارکرد بازدانه حیاء توجه نموده و آن را یک عنصر هدایت‌کننده و حفظ‌کننده نام برده است. امام صادق علیه السلام بعد از اینکه رابطه متقابل ایمان و حیاء را بازگو می‌نماید چنین می‌فرماید: «الْحَيَاءُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ بِالْحَيَاءِ وَصَاحِبُ الْحَيَاءِ خَيْرٌ كُلُّهُ وَ مَنْ حُرِمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلُّهُ؛ حیاء در گرو ایمان و ایمان در گرو حیاء است. فردی برخوردار از حیاء همیشه در مسیر خیر، و فرد محروم از حیاء همیشه در مسیر شر گام برمی‌دارد.»^{۳۶}

«خیر» و «شر» نماد رفتار درست و نادرست در جوامع است. از این‌رو، در مسیر خیر و شر بودن گویای این امر است که برخورداری و عدم برخورداری از حیاء سبب رفتن به سمت رفتارهای درست و نادرست است.

در احادیثی دیگر، تصریح شده است که «حیاء از انجام رفتار قبیح باز می‌دارد»^{۳۷} و «کسی که از حیای کمتری برخوردار است از ورع [دوی از محرمات] کمتری برخوردار خواهد بود»^{۳۸} و «ثمره حیاء پاک‌دامنی است».^{۳۹} همچنین «کسی که حیاء ندارد هرکاری که دلش بخواهد ممکن است انجام دهد».^{۴۰} در تمام احادیث ذکر شده تأثیر حیاء بر دوری از گناهان و رفتار نادرست به خوبی نشان داده شده است.

ج) احادیث بیان‌کننده مصداق حیاء: در سومین دسته احادیث، حیاء و شرم از انسان‌های دیگر به عنوان یکی از مصادیق بارز آن ذکر شده است. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در مورد کارکرد رفتن به مسجد که یکی از اماکن تجمع مسلمانان است، چنین می‌فرماید: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخْمُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ... أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً؛ کسی که به مسجد برود به یکی از امور هشت‌گانه نایل می‌شود؛ برادری که در راه خدا قابل استفاده باشد نصیبش می‌شود یا... یا گناهی را از روی خشیت یا حیاء ترک می‌کند.»

روشن است که یکی از وجوه مهم تأثیر مسجد رفتن بر ترک گناه از باب حیاء این است که در زمان ائمه علیهم السلام مسجد محل عبادت، آموزش، معارفه و مشورت‌های جمعی بوده

است؛ از این رو، انسان‌ها در مساجد با دیگران آشنا می‌شدند و این امر سبب می‌شد که فرد در بیرون مسجد به خاطر شرم حیاء از دیگران، از کارهای ناپسند خودداری کند. در برخی احادیث دیگر به تاثیرگذاری حیاء از مردم اشاره شده و تأکید گردیده است که تأثیر حیای انسان‌ها از همدیگر موثرتر از حیاء از امور ماورایی است. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجُوهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ کسی که به خاطر مردم از چیزی پرهیز نکند به خاطر خدا پرهیز نخواهد کرد».^{۴۱}

به همین مضمون، روایت‌هایی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل گردیده است که حضرت تصریح می‌نماید: «اگر انسان از مردم حیاء نکند از خداوند حیاء نخواهد کرد».^{۴۲} آنچه که در این بخش بحث اهمیت دارد توجه به این نکته است که از منظر دین، حیاء بازدارنده است و حیاء از افراد دیگر به عنوان یکی از مصادیق بارز حیاء در منابع دینی مطرح است.

خوف و خشیت

از جمله عناصر مهم کنترلی که جنبه‌ای غیررسمی داشته و در دین نیز مورد تأکید قرار گرفته است خوف و خشیت است. شیخ طوسی تفاوت خوف و خشیت را چنین بیان نموده است: «خوف، ترس نفس از انجام رفتار نادرست و عقاب مترتب بر منهیات... است؛ اما خشیت حالت درونی است که ریشه در توجه به عظمت و هیبت خداوند دارد».^{۴۳} طبق بیان‌های دینی، هم خوف بازدارنده و هدایت‌کننده است و هم خشیت زمینه‌ساز دوری از کارهای زشت و انجام رفتار درست است.

خوف هم شامل ترس از خداوند و عذاب و عقاب می‌شود و هم شامل ترس از مردم، رسوانشدن و نرفتن آبرو. از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، ترس الهی و اخروی یک اهرم تنبیهی مورد انتظار است، در حالی که ترس از مردم یک اهرم زودبازده و فوری است. ایشان در این مورد چنین بیان می‌دارند: «جَعَلَ خَوْفَهُ مِنَ الْعِبَادِ نَقْدًا وَمِنْ خَالَقِهِمْ ضَمَانًا وَوَعْدًا؛ افراد ترس خود از بندگان خدا را امر فوری و ترس از خداوند را وعده و ضمان تحقق یافتنی می‌پندارند».^{۴۴}

تعبیر دیگری نیز وجود دارد که بیانگر بازدارندگی خوف و خشیت است؛ نظیر اینکه «کسی که از عقاب می‌ترسد از گناه خودداری می‌کند»^{۴۵} «اگر قلب انسان از خشیت خدا سیراب شود گناهانش مانند برگ درخت پاییزی فرو می‌ریزد»^{۴۶}، «کسی که از قصاص بترسد

از ظلم بر مردم باز داشته می‌شود»^{۴۷} «انسان به میزان ترس خود از گناه خودداری می‌کند»^{۴۸} «اگر خوف در دل جای گیرد موقعیت‌های رفتار شهوت‌زا خنثا می‌گردد»^{۴۹} و «خوف زندان نفس از حیث گناه و بازدارنده آن از معاصی است»^{۵۰}.

در روایات ذکر شده عنصر خوف به عنوان یک اهرم کنترل درونی فعال ذکر شده است که شامل خوف از خدا، خوف از عذاب، خوف از مجازات و خوف از توجه مردم و نرفتن آبرو می‌شود. و آنچه که از حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد قصاص به دست می‌آید، گویای این حقیقت است که در اسلام حتی کنترل‌های رسمی و مجازات‌های غیررسمی به خاطر تقویت اهرم کنترلی درونی افراد است. به عبارت دیگر، در دین کنترل‌های رسمی از جمله مجازات‌های شرعی به طور ضمنی قرین کنترل‌های غیررسمی است.

امربه معروف و نهی از منکر

نظارت همگانی در دین اسلام از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مکلف بودن به احساس مسئولیت در قبال دیگران و موظف بودن به مراقبت از دیگران اموری است که در حوزه فقه و شریعت اسلامی مطرح شده و بنای اسلام بر این است که در جوامع دینی و انسانی این مهم به عنوان یک هنجار در آمده تا از این طریق، سیاست کنترلی اسلام به نقطه رفیع و ایده‌آل خود هدایت شود.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه افراد جامعه را کارگزار کنترل معرفی نموده و نظارت، مراقبت و کنترل از یکدیگر را از وظایف افراد برمی‌شمارند. ایشان در باب نظارت همگانی می‌فرمایند: «همه شبان و مسئول زبردستان خود هستید. رهبر شبانی است که باید از رعایای خود مراقبت کند و بزرگ خانواده در قبال باقی اعضای خانه مسئول است و زن نسبت به خانه شوهر مسئولیت دارد»^{۵۱}.

همچنین در آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره اشاره شده است که انسانها از طریق نظارت بر همدیگر مانع فساد شدن جامعه می‌گردند. در این آیه آمده است که «لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» یعنی اگر خداوند افراد توسط همدیگر دفع نکرده بود زمین به فساد کشیده می‌شد. یکی از وجوه دفع انسان‌ها توسط همدیگر این است که «بعضی از مردم جلو فساد بعضی دیگر را می‌گیرند»^{۵۲} همچنین مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر فساد می‌پذیرند که منظور از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است.^{۵۳} بنابراین انسانها با امر به

معروف و نهی از منکر می‌توانند جلو فساد در جامعه را گرفته و از این طریق هنجارشکنی‌های اجتماعی را کنترل نمایند.

مناسک دینی

از عناصر تأثیرگذار در کنترل افراد، مناسک و مراسم‌های مذهبی و دینی است. شواهد و تحقیقات تجربی تأثیر کنترل‌کننده غیررسمی دین را تأیید نموده و خود دین نیز به آن اشاره دارد. از منظر آیات و روایات نماز به عنوان یکی از شعایر مهم دینی بازدارنده است. چنان‌که در قرآن کریم اشاره شده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز را برپا دارید، به درستی که نماز فرد را از فحشا و منکرات بازمی‌دارد». (عنکبوت: ۴۵) در این آیه شریفه یادآوری شده است که برپایی نماز باعث می‌شود که در جامعه فحشا و منکرات کاهش یافته و افراد از انجام چنین اعمالی باز داشته شوند.

در آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود: ۱۱۴) نماز در زمره حسناتی برشمرده شده است که سبب از بین رفتن رفتارهای بد می‌شود. و همچنین در روایات معصومان علیهم‌السلام از کارکردهای مهم مراسم شعایری حج ممانعت از تحقق فساد ذکر شده است. حضرت امام رضا علیه‌السلام در مورد تشریح حج می‌فرماید: «أَنَّ عِلَّةَ الْحَجِّ ... وَحَظْرُ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ؛ علت و جوب حج ... و بازداشتن نفس از فساد است».^{۵۴} شواهد و مطالعات تجربی که در مورد کارکردهای مناسک و مراسم‌های مذهبی و دینی انجام شده است، بر کارکرد کنترلی مناسک دینی تأکید کرده‌اند. ایوانز تی دیوید در پژوهشی که در آن رابطه دین و جرم را به آزمون کشیده شده بود، به نتایجی از جمله اینکه حضور در مراسم مذهبی کنترل‌کننده است، نائل آمد.^{۵۵} پژوهش دیگری که به همین موضوع پرداخته است تحقیق استارک و بن بریج تحت عنوان «دین، کجروی و کنترل اجتماعی» است. در این تحقیق، هرچند رابطه مثبت و معنادار باورهای دینی و کنترل مورد انکار قرار گرفت، اما این مسئله تأیید شد که شرکت در مراسم دینی و مذهبی افراد را از آلوده شدن و ارتکاب جرائم و رفتار کجروانه باز می‌دارد.^{۵۶}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده راجع به نظریه کنترلی دین را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد:

۱. دین کنترل غیر رسمی را یکی از راه‌کارهای کنترلی فعال در نظر داشته است. در منابع دینی، هم به میزان تأثیر کنترلی غیررسمی گوشزد شده است و هم سازوکار کنترلی و عناصر کنترل‌کننده و بازدارنده و نیز کارگزاران آن بیان شده است.
۲. دین اهرم‌های کنترلی مورد نظر خود را هم در فقه، هم در سطوح اعتقادی و هم در حوزه‌های رفتاری مطرح نموده است. در قلمرو فقه، که در آن احکام شرعی بیان می‌گردد، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین ضرورت احساس مسئولیت در قبال افراد جامعه تشریح و از هنجارمند شدن کنترل غیررسمی سخن به میان می‌آید. در حوزه رفتار انگیزه‌هایی برای رفتار درست و بازدارنده‌های برای دوری از رفتار ناپسند در نظر گرفته می‌شود و در حوزه باور، باورهای دینی به عنوان اهرم‌های کنترلی لحاظ می‌گردد.
۳. از منظر آیات و روایات، حیاء از افراد دیگر، عامل درونی ترس چه ترس از خداوند، چه ترس از رفتن آبرو و رسوا شدن و... هم‌نوا ساز، کنترل‌کننده و هدایت‌کننده است.
۴. باورهای دینی نیز باور به حضور خداوند، باور به علم و مراقبت همیشگی او و باور روز حساب‌رسی و قیامت عناصری است که شدیداً رفتار افراد را تحت تأثیر قرار داده و فرد را به سمت رفتار شایسته هدایت می‌کند.
۵. در منابع دینی، هم عناصر ماورایی به عنوان کارگزار کنترل ذکر شده است و هم انسان‌ها. مدح و ذم و به تعبیر دیگر، پاداش و تنبیه، اهرم‌هایی است که کارگزار آن اغلب افراد جامعه است. بر همین اساس، امر به معروف و نهی از منکر اهرمی است که تمام افراد جامعه نسبت به همدیگر اعمال می‌نمایند. از سوی دیگر، خوف و خشیت و مراقبت کنترل‌های است که هم در سطح انسانی مطرح است و هم در سطح ماورایی.
۶. دین، برای ایجاد هم‌نوایی بیشتر با هنجارهای حاکم در جامعه دینی، کنترل‌های غیررسمی موازی با کنترل‌های رسمی مورد توجه قرار می‌دهد. در دین کنترل‌های غیررسمی از توانمندی‌های درونی تا برخوردهای عملی توسط افراد جامعه را دربرمی‌گیرد؛ رفتاری نظیر روی‌برداشتن، اخم کردن و تایید نکردن و در مواردی تذکر دادن.
۷. بر اساس آیات و روایات، از جمله تأثیرات مناسک دینی و مراسم مذهبی، حفظ انسان از آلودگی به گناه و انحرافات و کجروی‌های رفتاری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ خُسْرٌ» (عصر: ۲)؛ «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ خُسْرٌ» علق: ۶.
۲. «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» يوسف: ۲۳؛ «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ» بقره: ۱۶۹.
۳. ابوطالب خدمتی، «نظارت و بازرسی در اسلام»، معرفت، ش ۲۷، ص ۴۶-۵۷.
۴. علی سلیمی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۵۰۱.
۵. هدایت‌الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۴۲.
۶. علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۵۰۷.
۷. راب استونز، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، ص ۷۹-۸۱.
۸. ر.ک. همان.
۹. رادنی استارک و ویلیام سیمز بن بریج، «دین کجروی و کنترل اجتماعی»، ترجمه علی سلیمی، حوزه و دانشگاه، ش ۲۲، ص ۱۷۰-۱۹۳.
۱۰. ر.ک: علی سلیمی و همکاران، هم‌نشینی و کجروی.
۱۱. سید محمود میرخلیلی، پیشگیری وضعی از بزهکاری، ص ۳۰۵-۳۴۶.
۱۲. ریمون آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، ص ۳۸۸.
۱۳. لویس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۹۲.
۱۴. حبیب احمدی، «تحلیل نظریه‌های مربوط به کجروی‌های اجتماعی»، روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۴۰، ص ۶۰-۶۱.
۱۵. فرانک پی ویلیامز و مالین دی مک شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ص ۲۱۲.
۱۶. عبدالله جوادی‌آملی، شریعت در آینده‌ی معرفت، ص ۹۳.
۱۷. هرچند مواردی ذکر شده جنبه‌ی کنترل رسمی دارد اما به صورت غیر رسمی ذهنیت خدشه‌ناپذیری هنجارهای دینی را در افراد القاء می‌کند که همین مسئله سبب می‌شود هم‌نوا صورت بگیرد.
۱۸. ر.ک: سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی.
۱۹. مفضل بن عمر جعفی کوفی، توحید المفضل، ص ۷۹.
۲۰. حضرت امیر المومنین ع می‌فرمایند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَخْرَارِ» نیز بر نظام پاداش و تنبیه توجه نموده‌اند.
۲۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۵۷.
۲۲. شیخ صدوق، أمالی، ص ۵۰۵.
۲۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۹۶.
۲۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۹.
۲۵. همان
۲۶. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۹، ص ۲۶۵.
۲۷. نهج البلاغه، ص ۳۴۲.

- ۲۸ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۹.
- ۲۹ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰.
- ۳۰ شیخ حر عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۱۸۵.
- ۳۱ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۲۹.
- ۳۲ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۰.
- ۳۳ علامه حلی، الألفین، ص ۱۵۹.
- ۳۴ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱، ص ۱۰۶.
- ۳۵ ر.ک: مفضل بن عمر جعفی کوفی، توحید مفضل، ص ۷۹.
- ۳۶ عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، ص ۵۶۹.
- ۳۷ عبدالواحد بن محمد تمیم آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۷.
- ۳۸ ر.ک: ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۹۹. «ورع» در تاج العروس به معنای دوری از محرمات ذکر شده است.
- ۳۹ عبدالواحد بن محمد تمیم آمدی، همان، ص ۲۵۷.
- ۴۰ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۳۶.
- ۴۱ همان، ص ۳۲۶.
- ۴۲ عبدالواحد بن محمد تمیم آمدی، همان، ص ۲۵۷.
- ۴۳ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۳۶۰.
- ۴۴ عبدالواحد بن محمد تمیم آمدی، همان، ص ۱۹۱.
- ۴۵ همان، ص ۱۴۶.
- ۴۶ ر.ک: تاج الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۹۸.
- ۴۷ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۱۶.
- ۴۸ ر.ک: محمدباقر، همان، ج ۷۵، ص ۳۶۵.
- ۴۹ ر.ک: شیخ حسن دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۰۷.
- ۵۰ ر.ک: عبدالواحد بن محمد تمیم آمدی، همان، ص ۱۹۰.
- ۵۱ شیخ حسن دیلمی، همان، ج ۱، ص ۱۸۴.
- ۵۲ فضل ابن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، ص ۶۲۱.
- ۵۳ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، جلد ۲، ص ۲۹۳.
- ۵۴ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۰۴.
- ۵۵ ایوانز تی دیوید، «بررسی مجدد رابطه دین و جرم»، ترجمه علی سلیمی، حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، ص ۱۷۸-۱۴۲.
- ۵۶ ر.ک: رادنی استارک و ویلیام سیمز بن بریج، همان.

منابع

- احمدی، حبیب، «تحلیل نظریه‌های مربوط به کجروی‌های اجتماعی»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، ش ۴۰، ص ۶۰-۶۱. استارک، رادنی و سیمز بن بریج، ویلیام، «دین کجروی و کنترل اجتماعی»، ترجمه علی سلیمی، *حوزه و دانشگاه*، بهار ۱۳۷۹، ش ۲۲، ص ۱۷۰-۱۹۳.
- استونز، راب، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چ چهارم، تهران، مرکز، ۱۳۸۴.
- ایوانز تی دیوید، «بررسی مجدد رابطه دین و جرم»، ترجمه علی سلیمی، *حوزه و دانشگاه*، شه ۲۳، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۴۲-۱۷۸.
- آرون، ریمون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، باقر پرهام، چ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیم، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- جوادی آملی، عبدالله، *شریعت در آینده معرفت*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۳.
- حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
- خدمتی، ابوطالب، «نظارت و بازرسی در اسلام»، معرفت، زمستان ۱۳۷۷، ش ۲۷، ص ۴۶-۵۷.
- دیلمی، شیخ حسن، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲، جلد ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم، اول ۱۴۱۲ق.
- ستوده، هدایت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چ شانزدهم، تهران، آوای نور، ۱۳۸۵.
- سلیمی، علی و محمد داوری، *جامعه‌شناسی کجروی*، چ چهارم قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- سلیمی، علی، و همکاران، *همشینی و کجروی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- سیدرضی، *نهج البلاغه*، تحقیق محمد عبده، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- شعیری، تاج‌الدین، *جامع الأخبار*، قم، رضی، ۴۰۵ق.
- شیخ صدوق، *أمالی*، چ پنجم، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰.
- ، *علل الشرائع*، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۹۹۶م.
- ، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان، ۱۳۷۸، جلد ۲.
- طبرسی، فضل ابن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- عاملی، شیخ حر، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹، جلد ۱۶، جلد ۲۰.
- علامه حلی، *الألفین*، چ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- فرانک پی ویلیامز و مالین دی مک شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، حمیدرضا ملک محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- کوذر، لوئیس، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، چ یازدهم، تهران، علمی، ۱۳۸۳.
- گیلانی، عبدالرزاق، *مصباح الشریعه*، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۳، ج ۱؛ ۶۷-۶۹؛ ۷۴-۷۵.
- مفضل بن عمر جعفری کوفی، *توحید المفضل*، قم، مکتبه الداوری، ۱۹۶۹م.
- میرخلیلی، سید محمود، *پیشگیری وضعی از بزهکاری*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۸.